تحلیل انتقادی دیدگاه‌های موضوع انگارانه موجود درباره زیارت جامعه کبیره

عبدالهادی فقهی‌زاده[1]
مهدی هادیان[2]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۲۲ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۶)

چکیده

زیارت جامعه کبیره یکی از زیارات مأثوره‌ای است که آن را هنگام زیارت همه‌ی امامان معصوم(ع) می‌توان خواند و یکی از ویژگی‌های مهم آن، بیان مقامات اهل بیت پیامبر اکرم(ص) است. این زیارت به دلیل قائل شدن برخی ویژگی‌های خاص و فوق‌العاده برای آن بزرگواران، از سوی برخی افراد جریان تجدیدنظر طلب در عقاید شیعی به غلوآمیز بودن وصف شده است. از جمله مهمترین نقدهای بیان شده درباره‌ی مفاد این زیارت، ادعای مغایرت برخی از مضامین آن با برخی آیات قرآنی است. در این پژوهش، نقدهای متنی بیان شده در مورد این زیارت که به موضوع انگاری آن منجر شده، بررسی و بر اساس شواهد قرآنی، ضوابط تفسیری و فقه الحدیثی غیرموجه بودن آن‌ها اثبات شده است. فهم ناتمام آیات قرآن کریم و انحصارگرایی در معنای دریافت شده برای هر آیه، عدم مراجعه به شروح معتبر حدیثی، عدم توجه به ویژگی‌های زبانی قرآن و روایات و عدم توجه به مبانی فقه الحدیثی در کشف مراد جدی عبارات این زیارت، باعث این آسیب شده است.

کلید واژه‌ها: *زیارت جامعه کبیره، احادیث موضوعه، نقد متنی روایات، جریان تجدیدنظر طلب در عقاید شیعی، مفاهیم غالیانه در روایات.*

---

۱. استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی، (نویسنده مسئول)؛ mh_hadian@yahoo.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

۱ـ طرح مسأله

زیارات مأثوره و معتبره علاوه بر آموزش روش صحیح گفتگو با امامان(ع) در زیارت مضاجع ایشان، حاوی نکات پر اهمیتی است که در مجموعه‌ی باورهای شیعی در مسأله‌ی امامت نمی‌توان از آن، صرف نظر کرد. در این میان، به دلایل گوناگون از جمله محتوای مطرح شده در برخی از این زیارات و ادعیه، متن آنها مورد انتقاد برخی از تجدیدنظر طلبان در عقاید شیعی قرار گرفته است. یکی از مهمترین زیاراتی که به جهت سند و محتوا مورد نقد قرار گرفته و برخی از نویسندگان معاصر، به موضوع بودن آن رأی داده‌اند، زیارت جامعه‌ی کبیره است.

شیخ صدوق در «عیون اخبارالرضا» و کتاب «من لا یحضره الفقیه»، این زیارت را مسنداً با چهار واسطه از امام هادی(ع) نقل کرده است. (ابن بابویه، ۶۰۹/۲؛ همو، ۲۷۴/۲) شیخ طوسی نیز به نقل از صدوق، این زیارت را در تهذیب روایت کرده است. (طوسی، ۹۵/۶)

سایر محدثان در طول تاریخ حدیث شیعه نیز، نسبت به اهمیت این زیارت و مفاهیم والای آن مطالبی را گوشزد کرده‌اند. مجلسی آن را از موثق‌ترین زیارت‌های جامعه دانسته است (مجلسی محمدباقر، ۲۰۹/۹۹). محدثان دیگر نیز مضامین والای موجود در متن این زیارت را شاهدی بر صحت آن عنوان کرده‌اند (مجلسی محمدتقی، ۲۴۷/۱، شبر، ۲۹). در عین حال «جریان تجدیدنظر طلب در عقاید شیعی» با استناد به ادله گوناگون، در اعتبار متنی این زیارت تردید کرده و آن را فاقد اعتبار لازم برشمرده‌اند. این جریان معاصر بسیاری از اعتقادات شیعی را با عنوان خرافه یا شرک نقد کرده و کتاب‌های متعددی در نقد مبانی فکری و عملی شیعه به رشته تحریر در آورده است. به این جریان «قرآنیان شیعه» و یا «جریان نووهابی ایرانی» نیز اطلاق می‌شود. از شاخص‌ترین افراد این جریان می‌توان به حیدرعلی قلمداران و ابوالفضل برقعی اشاره کرد (جعفریان، ۳۵۰ـ۳۷۱؛ خسروپناه، ۱۳۸؛ حب‌الله، ۶۱۲ـ۶۵۹). از آنجا که علاوه بر نقدهای سندی، نقدهای متنی متعددی از سوی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

این جریان نسبت به زیارت جامعه کبیره مطرح شده است، لازم است تا ایـن نقـدها مـورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و مشخص شود که این نقدها تا چه اندازه با مبانی فقه الحـدیثی متناسب است و آیا با تکیه بر آنها، می‌توان اتهام وضع این زیارت را پذیرفت یا آن‌که ایـن نقدها از اتقان کافی برخوردار نیست و متن زیارت جامعه به عنوان یک حـدیث مـأثور از اهل بیت(ع) قابل پذیرش است؟ آیا چنان که این جریان مطرح کرده است مفاد این زیارت با آیات قرآن کریم و سیره صحیح معصومان در تعارض است یا آن‌که می‌توان آن را مطابق با مفاهیم آیات قرآن قلمـداد کـرد و از ایـن زیـارت جهـت افـزایش معرفـت نـسبت بـه ویژگی‌های اهل بیت پیامبر(ع) بهره‌برداری نمود؟ ادعای غلو آمیز بودن مفاهیم مطرح شده در این زیارت تا چه اندازه با واقعیت مطابقت دارد و آیا این ادعا، ادعای صحیحی اسـت؟ در مقاله حاضر برآنیم که ضمن شناسایی اهم نقدهای متنی این جریـان دربـاره‌ی زیـارت جامعه‌ی کبیره، به ارزیابی و اعتبار سنجی آنها بپردازیم.

۲ـ اهم نقدهای متنی موجود درباره‌ی زیارت جامعه‌ی کبیره

هر چند که نقدهایی به سند این زیارت از سوی «جریـان تجدیـدنظر طلـب در عقایـد شیعی» وارد شده است، اما بررسی صحت و اعتبار سند این زیارت از موضوع این نوشـتار خارج است. نتیجه تحقیقات سندپژوهان معاصر، از معتبر بودن سند ایـن زیـارت حکایـت می‌کند (سند، ۱۳۸۶ الف، ۱۰۲). گذشته از انتقـادات سـندی، برخـی از همـین تجدیـدنظر طلبان، متن زیارت جامعه‌ی کبیره را مورد نقد قرار داده‌اند و تحت عنوان غلو در شأن اهل بیت و نسبت دادن صفات الاهی به ایشان آن را موضوع دانسته‌اند. برخی دیگـر نیـز آن را دارای تعارض با آیات قرآن معرفی کرده و به همین سبب، آن را موضوع معرفی کـرده‌انـد. در ادامه به بیان خلاصه‌ای از اهم این نقدها خواهیم پرداخت.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

۲ـ۱. مخالف قرآن دانستن انجام حساب روز قیامت از سوی اهل بیت(ع) و بازگشت مردمان به آنان

از مهمترین مضامین زیارت جامعه کبیره که تمام منتقدان به آن اشاره کرده و آن را معارض قرآن کریم دانسته و لذا حکم به وضع این زیارت کرده‌اند، عبارت «**و ایاب الخلق الیکم و حسابهم علیکم**» است. قلمداران با نقد متنی همین بخش از زیارت جامعه کبیره آن را شرک آمیز خوانده و با آیات قرآن در تعارض دانسته و به وضع این زیارت حکم کرده است (قلمدران، ۱۱۹). برقعی نیز این بخش از زیارت را با آیه‌ی «**إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُم، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُم**» (الغاشیه، ۲۵و۲۶) در تعارض می‌داند و به همین دلیل حکم به موضوع بودن این روایت می‌دهد. او همچنین آیات «**و کفی بالله حسیباً**» (النساء، ۶؛ الاحزاب، ۳۹) و «**فَإِنَّما عَلَيْکَ الْبَلاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِساب**» (الرعد، ۴۰) را نیز با این بخش از زیارت جامعه کبیره در تعارض می‌داند. چرا که معتقد است خداوند متعال رسیدگی به حساب بندگان در قیامت را به خود نسبت داده و انتساب این عمل به اهل بیت(ع)، مخالف قرآن کریم است. به باور برقعی امکان اطلاع امامان(ع) از جزییات اعمال انسان‌ها وجود ندارد و به همین دلیل رسیدگی به نامه‌ی اعمال انسان‌ها در مورد ایشان، ادعایی دروغین است که در زیارت جامعه کبیره مطرح شده است (برقعی، ۲۳۵؛ همو، ۱۹۳). طباطبایی نیز مانند اسلاف خود در جریان تجدیدنظر طلب در عقاید شیعی، در نقد متنی این زیارت به واسطه‌ی تعارض با قرآن کریم، هم‌داستان است (طباطبایی، ۱۴۸). او توجیه محدثان در مورد انجام این عمل توسط اهل‌بیت به اذن الاهی را نیز نمی‌پذیرد و می‌نویسد: «برخی در مقام رفع این تعارض برآمده چنین پاسخ داده‌اند که: مردم به اذن خدا به پیامبر و امامان باز می‌گردند و حسابشان با ایشان خواهد بود، همان گونه که قبض نفوس به هنگام مرگ، در قرآن کریم به خداوند و نیز به فرشتگان نسبت داده شده است یعنی فرشتگان به اذن خدا این کار را بر عهده می‌گیرند. جواب ما به دسته‌ی مزبور این است که: اگر خداوند سبحان اذن داده بود تا پیامبر اکرم و امامان ـ(ع) ـ حساب مردم را بر عهده گیرند هیچ گاه در کتابش به رسول

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

خود اعلام نمی‌فرمود: و «ما عَلَیْکَ مِنْ حِسابِهِمْ مِنْ شَیْءٍ» (الانعام، ۵۲) یعنی حساب ایشان به هیچ وجه بر عهده‌ی تو نیست.» (طباطبایی، ۱۴۹)

۲ـ۲. غلوآمیز دانستن عبور و مرور ملائکه نزد اهل بیت(ع) و محل وحی بودن آنان

بخش ابتدایی زیارت جامعه‌ی کبیره با این عبارات آغاز می‌شود: «**السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا أَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِکَةِ وَ مَهْبِطَ الْوَحْیِ وَ...**» همین عبارات نخستین در شأن اهل بیت توسط برخی از نویسندگان مورد نقد قرار گرفته و از مصادیق غلو معرفی شده است. برقعی این ویژگی‌ها را به جایگاه رسالت و محل تردد فرشتگان و ونزول وحی تفسیر کرده و آن را تنها مختص رسول خدا دانسته است. به باور او سایرین موضع رسالت و محل هبوط و نزول وحی نیستند و بیان این ویژگی‌ها در مورد امامان(ع) به معنی قائل شدن مقام پیغمبری برای ایشان است (برقعی، ۲۳۵).

۲ـ۳. غلوآمیز دانستن برتری جایگاه امامت از پیامبری در زیارت جامعه کبیره

عباراتی در زیارت جامعه کبیره وجود دارد که نشان می‌دهد مقام و رتبه‌ی اهل بیت(ع) بالاتر از انبیای پیشین و فرشتگان است. این عبارات نیز از سوی موضوع انگاران زیارت جامعه‌ی کبیره غلو آمیز و افترا و تهمت به دین قلمداد شده و آن را دلیل بر وضع این زیارت دانسته‌اند. برقعی می‌نویسد: در عبارت «**فبلغ الله بکم أشرف محل المکرمین وأعلی منازل المقربین وأرفع درجات المرسلین حیث لا یلحقه لا حق ولا یسبقه سابق ولا یطمع فی إدراکه طامع، حیث لا یبقی ملک مقرب ولانبی مرسل... إلا عرفهم جلالة أمرکم وعظم خطرکم و کبر شأنکم**... معنای جملات فوق این است که خداوند شما را به شریف‌ترین محل بزرگان گرامی و به بالاترین منازل مقربین و بلندترین درجات پیغمبران مرسل رسانیده است! این جملات همه اش دروغ محض است و هیچ دلیل شرعی ندارد، زیرا هر امامی، خود باید مؤمن به مرسلین و تابع انبیاء باشد. خود امیرالمؤمنین می فرمود: «**نظرت إلی کتاب الله و ما وضع لنا و أمرنا بالحکم به فاتبعته و ما استن النبی فاقتدیته**» یعنی به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

کتاب خدا نگریستم و به آنچه که بر ما مقرر کرده بود و فرمان داده بود که به آن حکم کنیم، از همان پیروی کردم و آن‌چه را که پیامبر سنت نهاده بود، بدان اقتدا نمودم. (سیدرضی، خطبه ۲۰۵)... پس تابع، مقامش بالاتر از متبوع نمی‌تواند باشد.... همچنین می‌پرسیم چگونه منزلت امام از تمام ملائکه‌ی مقربین بالاتر است، با این‌که یکی از ملائکه‌ی مقربین جبرئیل علیه‌السلام است که خداوند وی را «کریم» و «امین» و «مطاع» و «نیرومند» و «مکین یعنی دارای منزلت» خوانده است (التکویر، ۲۰) و او را معلم خاتم الأنبیاء ص قرار داده و فرموده است: «**عَلَّمَهُ شَدیدُ الْقُوی**» (النجم، ۵) یعنی شدید القوی (جبرئیل) به او تعلیم داده است. بنابراین جبرئیل علیه‌السلام معلم پیامبر و پیامبر به اقرارِ خودِ امیرالمؤمنین معلم وی بوده است، پس چگونه مقام و منزلت شاگرد پیامبر اکرم از معلم آن حضرت بالاتر است؟! بافنده‌ی این دعا از کدام آیه یا دلیل شرعی فهمیده که خدا مقام یکی از پیروان پیامبر را از مقام تمام ملائکه و انبیاء بالاتر قرار داده است؟ آیا این کار افتراء به خدا و دین او نیست؟» (برقعی، ۲۴۱)

۲ـ۴. مخالف قرآن دانستن نور بودن اهل بیت(ع) برای آسمان و زمین

برخی از نویسندگان شاخص جریان تجدید نظر طلب در عقاید شیعی، ادعای تعارض بخشی دیگر از زیارت جامعه‌ی کبیره با قرآن را مطرح کرده‌اند. آنها معتقدند که عبارت «**و اشرقت الارض بنورکم**» در زیارت جامعه کبیره با آیه شریفه «**وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها**» (الزمر: ۶۹) در تعارض است (قلمداران، ۱۱۹). قلمداران در ادامه‌ی این بخش می‌نویسد: و این فقرات می‌رساند که ائمه‌ی هدی خدای جهان و پروردگار عالمیان‌اند. شرک از این واضح‌تر چیست؟ و اگر اینها شرک و کفر نباشد، دیگر در جهان شرک و کفری نیست! (همانجا)

۲ـ۵. تعارض اوصاف موجود در زیارت جامعه‌ی کبیره با سلوک اهل بیت(ع)

نقد متنی دیگری که نویسندگان شاخص جریان تجدید نظر طلب در عقاید شیعی به زیارت جامعه‌ی کبیره وارد دانسته‌اند، مغایر بودن متن این زیارت با سلوک اهل بیت است. یکی از ایشان می‌نویسد: «زیارت جامعه که با تعریف و تمجید و غُلُوّ و چاپلوسی آغاز شده

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

با سیره‌ی متواضعانه‌ی أئمه، مناسبت ندارد. آیا ممکن است امام علیّ النّقیّ الهادی(ع) که در منزلش «روی ریگ و سنگ ریزه نشسته به ذکر خدا و راز و نیاز با ذات پروردگار مشغول» می‌شد و اسوه‌ی تقوی و تواضع بود، به مردم گفته باشد، چند صفحه در جلوی قبر ما سخنان غُلُوّآمیز و دور از حقیقت و تملّق بگو. آیا چنین کسی یک امام موحّد زاهد است یا یک قلدر جاه طلب؟! امام ما، متواضع و فروتن است و توجّه مردم را دائماً به خدا جلب می‌کند. متکبّر و خودپسند نیست که چندین صفحه ازخود تعریف و تمجید کند و از مردم بخواهد که به صفات عُلیا ـ بلکه به صفات مخصوصه‌ی خدا ـ او را بخوانند تا او خشنود شود.» (برقعی، ۴۹۰) برقعی در کتاب دیگر خود در نقد زیارت‌های مختلف به نقد متنی این زیارت براساس همین دلیل پرداخته و سخنان خود را تکرار کرده است (همو، ۴۹۶).

۲ـ۶. اقامه نشدن حدود شرعی از سوی اهل بیت(ع) بنابر روایات تاریخی

یکی دیگر از بخش‌هایی که مورد نقد متنی جریان تجدید نظر طلب در عقاید شیعی در نقد متنی زیارت جامعه‌ی کبیره قرار گرفته، عبارت «**و اقمتم حدوده**» است. منتقدان ادعا کرده‌اند که بر اساس تاریخ اسلام، به جز امیرمؤمنان و در دوران کوتاهی امام مجتبی(ع)، هیچ‌کدام از اهل بیت، قدرت سیاسی و اجتماعی را در اختیار نداشته‌اند و لذا نمی‌توانسته‌اند، حدود الاهی را اجرا کنند. لذا با استناد به این گزاره‌ی تاریخی، کوشیده‌اند زیارت جامعه‌ی کبیره را فاقد اعتبار و موضوع معرفی کنند (برقعی، ۲۳۷)

۲ـ۷. تعارض کافر دانستن دشمنان اهل بیت(ع) با سیره‌ی عملی آنان

عبارت «**و من جحدکم کافر**» در زیارت جامعه نیز مورد نقد متنی این جریان قرار گرفته است. نویسندگان این جریان مدعی شده‌اند که: «در این دعا چنین آمده است: «**ومن جحدکم کافر**» یعنی هر کس شما را انکار کند کافر است! جای سوال است اگر جز شیعیان اثنی عشری و شیعیان اسماعیلی (هفت امامی)، تمامی عالم اسلام با وجود احترامی که برای

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

ائمه‌ی اهل‌بیت(ع) قائل هستند، اما منکرند که آن بزرگواران در امر امامت و ولایت, منصوب و منصوص الاهی می‌باشند، آیا چنین کسانی کافرند؟.... امام صادق فرموده است: «**عودوا مرضاهم واشهدوا جنائزهم واشهدوا لهم وعليهم وصلوا معهم فی مساجدهم**» یعنی بیمارانشان را عیادت و مردگانشان را تشییع کنید و [در محاکم] برایشان گواهی دهید و با آنان در مساجدشان نماز بخوانید. حضرت امام موسی کاظم نیز فرموده است: «**صلی حسن و حسین(ع) خلف مروان ونحن نصلی معهم**» یعنی امام حسن و امام حسین(ع) پشت سر مروان نماز می‌خواندند و ما نیز با آنان (خلفا) نماز می‌خوانیم. اگر چنین باشد که شما می‌گویید آیا اقتدا به کفار صحیح است؟» (همانجا، ۲۳۹) برقعی با استناد به تعارض ظاهری این بخش از زیارت جامعه کبیره با سیره اهل بیت(ع) و سایر روایاتی که بر مسلمان بودن قائلین به شهادتین تأکید می‌ورزند، زیارت جامعه را دچار اشکال متنی و موضوع معرفی می‌کند.

۲ـ۸. عدم معرفت گردنکشان تاریخ نسبت به مقامات اهل بیت(ع)

برقعی در بخشی دیگر از نقد متنی زیارت جامعه کبیره، به عبارت «**فبلغ الله بکم اشرف محل المقربین... و لا جبار عنید و لا شیطان مرید و لا خلق فیما بین ذلک شهید إلا عرفهم جلالة أمرکم و عظم خطرکم**» پرداخته و با طعنه می‌نویسد: «دیگر آن‌که می‌گوید: هیچ ملک مقربی و پیغمبر مرسلی و صدیقی و شهیدی و نه عالمی و نه جاهلی و نه آدم پستی و نه آدم با فضیلتی و نه مؤمن شایسته‌ای و نه فاجر بدبختی و نه ستمگر و نه سلطان بدخویی و نه شیطان متمردی و نه مخلوقی که در این میان مشاهده شود، نیست؛ مگر این‌که خداوند جلالت امر شما و بزرگی شأن شما و تمامیت نور شما و راستی مسند شما و ثبات قدم شما و شرافت جایگاهتان و منزلت شما را نزد خود، به همه آنان شناسانده است! حال می پرسیم آیا سلاطین و ستمگران عنود از قبیل چنگیز و تیمور و لنین و استالین و هیتلر و جانسون و... همه مقامات و نورانیت و راستی مسند ائمه را می‌دانسته‌اند؟! و هر فرد پست و فاجر بدبخت و هر شیطان متمردی عارف به مقام ائمه است؟! اگر چنین نیست پس چرا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

عالم نمایان این دروغ‌های شاخدار را می‌خوانند؟ و چرا هر چه را امثال مجلسی یا ابن طاووس و... نقل کرده‌اند، قبول می‌کنند؟ واگر قبول ندارند چرا عوام را مطلع نمی‌کنند؟!» (همانجا، ۲۴۳)

۳ـ ادلّه‌ی عدم اعتبار نقدهای متنی موجود درباره‌ی زیارت جامعه‌ی کبیره

بررسی و اعتبار سنجی نقدهای متنی مطرح شده توسط نوگرایان و جریان تجدید نظر طلب در عقاید شیعی را، در سه محور نقد غلو انگاری این زیارت، عدم مغایرت آن با قرآن کریم و فهم ناتمام متن این زیارت به دلیل رویکردهای نامناسب فقه الحدیثی پی می‌گیریم.

۳ـ۱. عدم صحت غالیانه بودن متن زیارت جامعه‌ی کبیره

در ابتدا لازم است در مورد غلو و علت مذموم بودن آن و حد و مرزش مطالبی بیان شود. سپس بررسی شود که آیا زیارت جامعه‌ی کبیره و مضامین آن را می‌توان غلو انگاشت یا این ادعا بدون دلیل کافی است؟

۳ـ۱ـ۱. مفهوم صحیح غلو

غلو در لغت به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حدّ و اندازه است (راغب اصفهانی، ۶۱۳/۱؛ مصطفوی، ۲۶۲/۷). بنابراین، هرگاه این کلمه، در مورد معتقدات دینی و مذهبی به کار رود، به این معناست که انسان چیزی را که به آن اعتقاد دارد، از حد خود، فراتر برده است (صفری فروشانی، ۲۶). این واژه ریشه‌ی قرآنی دارد و به نوع اعتقاد نصرانیان به حضرت عیسی و پسر خدا دانستن او پرداخته و آن را زیاده روی در بزرگداشت او معرفی کرده است (النساء، ۱۷۱).

یکی از آشفته‌ترین مباحث کلامی در شیعه، شناخت و احصاء عقاید غلات است. برخی علت این آشفتگی را تعدد فرقه‌های غالی دانسته‌اند. چرا که به تعداد این گروه‌ها، عقیده‌ی غلوآمیز وجود دارد (قبادی و مهدوی‌راد، ۱۲۰).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

برای شناخت زیاده روی در هر چیز، ابتدا باید حدود آن را مشخص کرد و سپس افزون رفتن از آن حدود را به عنوان مصادیق غلو معرفی کرد. همین شناسایی حدود مقامات و ویژگی‌های اهل بیت، خود منشأ اختلافات مهمی در میان متکلمان و حدیث پژوهان شیعه در طول تاریخ بوده است. گروهی با محدود کردن اهل بیت در ویژگی‌های بشری، آنان را تنها علمای نیکوکاری دانسته‌اند که برای کشف غوامض دین باید بدانها رجوع کرد؛ اما گروه‌های دیگری ویژگی‌های فوق بشری مانند قدرت الاهی، ولایت تکوینی، عصمت، علم الاهی و انتصاب از جانب خداوند را نیز به این ویژگی‌ها افزوده‌اند (مدرسی طباطبایی، ۷۳). برخی از معتقدان گروه نخست، گروه دوم را در طول تاریخ به غلو متهم کرده‌اند و متقابلا از گروه دوم نیز کسانی، گروه نخست را اهل تقصیر دانسته‌اند (همان، ۹۳). این درحالی است که برخی دیگر، غلو را افراط در ستایش یا فروکاستن از مقامات اهل‌بیت(ع) دانسته‌اند و هرگونه افراط و تفریط و زیاده روی در بیان فضائل یا کتمان آن را مصداق غلو معرفی کرده‌اند (حق‌شناس، ۸۳).

این‌که «حد و مرز ویژگی‌های ائمه(ع) تا به کجاست و فراتر از آن چیست که غلو نامیده شود؟» خود تحقیق مفصلی را می‌طلبد که در این مقال نمی‌گنجد. با این وجود، باید گفت که برخی پژوهشگران معاصر، غلو را به دو جنبه الحادی و غیر الحادی تقسیم کرده‌اند. یعنی اعتقاد به برخی ویژگی‌ها در مورد امامان، ضمن زیاده روی در بیان شؤونات اهل بیت، منجر به خروج از دین و کفر می‌شود و نوعی شراکت در الوهیت یا ربوبیت را برای اهل بیت(ع) به رسمیت می‌شناسد که به آن غلو الحادی گویند. اما در مقابل بیان برخی نکات دیگر درباره‌ی اهل بیت، با آن که فراتر از مقام واقعی آنان است، منجر به کفر و خروج از دایره‌ی توحید نمی‌گردد. (قبادی و مهدوی‌راد، ۱۲۱ـ۱۲۴)

امامان(ع) در برابر پدیده غلو با شدت عمل کرده‌اند و شیعیان را از غالیان برحذر داشته‌اند. امام صادق(ع) فرمود: «جوانان خود را از غالیان برحذر دارید؛ مباد که آنان را فاسد کنند. غالیان بدترین خلق خدا هستند؛ چرا که بزرگی و عظمت خداوند را کوچک

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

می‌شمرند و برای بندگان خدا شأن خدایی و ربوبیت قائل‌اند. غالیان از یهود و نصاری و مجوس و مشرکان بدترند. سپس فرمود: غالی به سوی ما می‌آید و ما او را نمی‌پذیریم و مقصر به نزد ما می‌آید، اما او را خواهیم پذیرفت. هنگامی که علت این مسأله را از امام جویا شدند، آن حضرت فرمودند: چرا که غالی بر ترک نماز و زکات و روزه و حج عادت کرده و برای ترک این عادت توانایی ندارد و هرگز نمی‌تواند به اطاعت از خداوند باز گردد؛ اما فرد مقصر، هنگامی که ولایت ما را شناخت، عمل می‌کند و مطیع پروردگار است» (طوسی، ۶۵۰). همچنین امیرمؤمنان از غالیان برائت جستند، آن چنان که حضرت عیسی از نصاری برائت می‌جوید (همان). از این روایات نیز بر می‌آید که ادعای خدایی برای امامان یا فرزند خدا دانستن آنان، کوچک شمردن عظمت خداوند و ترک واجبات و تبعیت از دستورات شریعت، از ویژگی‌های بارز و نکوهش شده‌ی غالیان توسط اهل بیت(ع) است.

غلو الحادی، برخلاف آن‌چه موضوع انگاران زیارت جامعه پنداشته‌اند، قائل شدن ویژگی‌های فوق بشری به اولیاء دین نیست. بلکه غلو الحادی به معنی قائل شدن ویژگی‌های خاص خداوند برای اهل‌بیت و یا قائل شدن ویژگی‌هایی فرابشری مستقل از ذات ربوبی برای آن بزرگواران مانند علم غیب مطلق و ذاتی و یا پیامبر دانستن ایشان است. برخی نیز با قائل شدن به حلول جوهر خدایی در روح اهل‌بیت، مرتکب غلو الحادی شده‌اند. اعتقاد به تفویض، تناسخ و تشبیه نیز در برخی منابع به عنوان غلو الحادی قلمداد شده است (استادی، ۲۷۲؛ صفری فروشانی، ۳۴؛ رضوی، ۴۵). در مقابل رها کردن احکام شریعت و دستورات الاهی به بهانه‌ی پذیرش ولایت اهل بیت(ع) از مصادیق غلو غیر الحادی است. غلو غیر الحادی به مقلوب دانستن احکام دین، ترک واجباتی چون نماز و روزه و تأویل آن به محبت و ولایت اهل بیت نیز اطلاق می‌شود (قبادی و مهدوی‌راد، ۱۳۴ـ۱۳۹). تفسیر نادرست از برخی گزاره‌های اصیل دینی مانند رجعت و بداء نیز از مصادیق غلوی الحادی معرفی شده‌اند (معارف، ۲۷۹)

برخی دیگر از پژوهشگران، غلو را به شکل مطلق، خارج کردن اهل بیت(ع) در مقام

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

تعریف و تمجید از دایره‌ی عبودیت دانسته و معتقد شده‌اند که ثناگویی ایشان در این محدوده هرگز غلو نیست (جوادی آملی، ۸۲/۱). با توصیف اخیر، که به نظر می‌رسد دقیق‌ترین و بهترین بیان از مفهوم غلو است، باید گفت که صفات فوق بشری نظیر علم و قدرت الاهی، عصمت و یا تأویل برخی آیات قرآن به اهل بیت از دایره‌ی غلو غیرالحادی نیز خارج است. به باور برخی دیگر از پژوهشگران، با این تفسیر از معنای غلو، زیارت جامعه‌ی کبیره در مقام بیان تمام فضائل اهل بیت نیست و مقامات بسیار والاتری نیز برای ایشان بر اساس روایات قابل فرض است که آن مقامات نیز از دایره‌ی غلو خارج است. بر این اساس حتی نمی‌توان زیارت جامعه را حد نهایی کمالات و ویژگی‌های الاهی اهل بیت دانست (گنجی حسین، ۳۶ـ۴۰)

۳ـ۱ـ۲. غالیانه نبودن مفاهیم مذکور در زیارت جامعه‌ی کبیره

با عنایت به مفاهیم عرضه شده از غلو، زیارت جامعه‌ی کبیره را نمی‌توان از مصادیق غلو دانست. چرا که در جای جای آن، ضمن تأکید بر اصل اساسی توحید، بر بندگی امامان در درگاه خداوند تأکید شده است. جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: «یکی از آدب زیارت این است که زائران زیارت خود را با تکبیرات صدگانه شروع کنند یعنی بعد از آن که صد بار اعتراف به عظمت خدا کردند و او را از هر وصف و ثنایی برتر دانستند (مجلسی، ۳۶۶/۸۱)، به ثناگویی اهل بیت و شمارش کمالات آنان بپردازند. همچنین زائر بعد از شمارش مقداری از کمالات به توحید ناب باز می‌گردد و شهادت به وحدانیت و یگانگی خدا می‌دهد، آن گونه که خود خدا، ملائکه و اولوالعلم شهادت می‌دهند: «**اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له کما شهد الله لنفسه و شهدت له ملا ئکته و اولولالعلم من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم**» (ابن بابویه، ۲۷۳/۲). هم چنین مرز میان خداوند و اهل بیت را درهم نریخته و اهل بیت را به خدایی نرسانده است. بلکه آنان را راهنمایان به سوی خدا معرفی کرده است. «الی الله تدعون و علیه تدلون و به تؤمنون» (جوادی آملی، ۲۷۴/۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

حتی عصمت را ذاتی آنان ندانسته و اراده‌ی خداونـد را در پـاکی ایـشان و دور شـدن پلیدی‌ها از آن بزرگواران مؤثر می‌داند (همانجا، ۸۱/۱ـ۸۴). لذا در این زیارت هـیچ‌گونـه استقلالی برای ائمه در این خصوصیات مطرح نشده تـا شـبهه‌ی غلـو پـیش آیـد (همـان، ۸۴/۱)». به عبارت دیگر قائل شدن به ویژگی‌های خاص الاهی در صورتی که همراه با این اعتقاد باشد که تمام این ویژگی‌ها، کمالات و قدرتها را خداوند در اختیار امامان قـرار داده و هر لحظه برای سلب آن از ایشان اختیار دارد، هرگز غلو محـسوب نمـی‌شـود. نمونـه‌ی قرآنی این مسأله بیان حضرت عیسی(ع) در نسبت دادن ویژگی‌های خاص خداوند به خود با اذن الاهی و برای نشان دادن پیامبری خویش است. قرآن کریم از لسان حضرت عیـسی علیه‌السلام می‌فرماید: «**أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فیهِ فَیَکُـونُ طَیْـراً بِـإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللَّه**» (آل‌عمران، ۴۹) در این آیه‌ی شریفه حضرت عیسی(ع) صفات و ویژگی‌های فرابشری همچون خلق کردن موجودات، شفا دادن بیماران و زنده کردن مردگان را به خود نسبت می‌دهد و البته همه‌ی آنها را به اذن خداونـد می‌داند. بدیهی است که قائل شدن به چنین ویژگی‌هایی در صـورت وجـود دلیـل بـر اذن الاهی، هرگز به معنای غلو نیست. چرا که این ویژگی‌ها مستقل از خداوند نیستند و بـه اذن و اراده‌ی او، در اختیار برخی بندگان صالح و پاک او قرار گرفته‌اند.

۳ـ۱ـ۳. قابل مقایسه بودن مقام امامت با مقام پیامبری

یکی از نکاتی که مورد اعتراض موضوع انگاران زیارت جامعه قرار گرفته آن است که عبارات این زیارت، نشان دهنده‌ی بالاتر بودن مقام امامان از پیامبران و ملائکه اسـت. بـه باور ایشان، امامت مقامی فروتر از مقام رسالت است و رسـالت، بـالاترین درجـه‌ی قابـل دستیابی برای انسان‌ها است. به همین دلیل، برخی از نویسندگان این جریان، انتساب چنین جایگاهی به اهل‌بیت پیامبر(ع) را غلوانگاری کرده‌اند. اما مطـابق مـستندات قرآنـی، ایـن فرضیه (والاتر بودن مقام امامت از نبوت) نادرست نیست. چرا که بر اسـاس آیـات قـرآن،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

حضرت ابراهیم پس از طی مراحل دشوار امتحان‌های گوناگون الاهی، به این درجه و مقام نائل شد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظَّالِمین» (البقره، ۱۲۴) مطابق این آیه‌ی شریفه، مقام امامت که مقامی الاهی است و با جعل الاهی صورت می‌پذیرد، از مقام نبوت بالاتر است و تنها برخی از انبیای الاهی به این مقام رفیع، منصوب شده‌اند. ملائکه نیز دارای رتبه‌های گوناگونی هستند که شأن و رتبه‌ی بسیاری از آنان از انسانهای معمولی پایین‌تر است. هر چند که برخی فرشتگان مقرب دارای مقامات ویژه‌ای نزد پروردگار هستند؛ اما این بدان معنی نیست که مقام این فرشتگان، از مقام امامت رفیع‌تر است. پیامبران پیشین نیز دارای درجات مختلفی بوده‌اند که صاحب مقام امامت، می‌تواند در رتبه‌ای بالاتر از آنان قرار گیرد. البته این ادعای برقعی که امام علی(ع) و فرزندان ایشان، در مقامی فروتر از مقام پیامبر(ص) هستند، ادعایی صحیح و به‌جا است. این بدان جهت است که رسول اکرم(ص)، هم واجد مقام رسالت و هم رتبه‌ی امامت به صورت توأمان است و آن حضرت، محور خلقت و اولین شخصیت در تمام آفرینش است (کلینی، ۴۴۰/۱؛ ابن بابویه، ۱۱۵/۱) تا آن‌جا که امیرمؤمنان علیه‌السلام، خود را بنده‌ای از بندگان پیامبر بر شمرده است (کلینی، ۹۰/۱) و سایر اهل‌بیت(ع) علوم خود را وابسته به آن حضرت دانسته‌اند (مجلسی، ۲۲/۲۶). اما درجات و مقامات الاهی و خاص آن حضرت، قابل تعمیم به انبیاء پیشین نیست. در واقع پیامبران پیشین، به دلیل واجد بودن مقام نبوت و شباهت به رسول اکرم(ص) از این منظر، در سایر کمالات الاهی آن حضرت شریک نیستند.

تعلیم جبرئیل بر پیامبر نیز دلیل بر افضلیت او نسبت به پیامبر اکرم نیست. چرا که خداوند متعال، می‌تواند گاهی موری را مأمور تعلیم پیامبری کند، بدون آن که رتبه‌ی آن مور، از رتبه و مقام پیامبر، بالاتر رود (النمل، ۱۸). در واقع خداوند متعال، می‌تواند با ابزارهای مختلفی، مطالب گوناگونی را به بندگانش تعلیم دهد و این هرگز به معنی برتری این ابزارها، از آن بندگان نیست. نمونه‌های عدم برتری جبرئیل بر رسول خدا و فروتر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

بودن مقام او نسبت به پیامبر(ص)، در روایات متعددی نظیر روایات شأن نزول آیات سوره‌ی نجم و روایات معراجیه قابل مشاهده است (کلینی، ۴۴۲/۱؛ قرطبی، ۴۲۵/۳). بالاتر بودن درجه و رتبه حضرت موسی(ع) ـ که از انبیای اولوالعزم است ـ نسبت به حضرت خضر(ع) که سمت معلمی بر حضرت موسی داشت (الکهف، ۶۶)، نمونه‌ی قرآنی دیگری برای درک بهتر این مطلب است (عیاشی، ۲۵۲/۳؛ ابن بابویه، ۶۱/۱).

در عین حال برخی گمان کرده‌اند مقام امامت اهل بیت(ع) با مقام امامت بیان شده در آیه ۱۲۴ سوره بقره، متفاوت است. اما این گمان نیز با توجه به اشارات روایات به همسانی این دو مقام، قابل پذیرش نیست. امام صادق(ع) در روایتی ضمن مساوی دانستن مقام امامت با شأن مفترض الطاعه بودن، از عدم اطاعت از امام گلایه کردند و به همین آیه استشهاد فرمودند (صفار، ۵۰۹/۱) امام باقر(ع) نیز ضمن روایتی با استشهاد به همین آیه‌ی کریمه، تنها فرد از میان قریش برای رسیدن به مقام امامت را امیرمؤمنان دانستند. چرا که آن حضرت از هرگونه شرک و ظلم و فساد و گناهی مبرا بود و سایر قریش، قبل از تابیدن نور اسلام، به چنین مسائلی آلوده بودند (فرات، ۲۲۲). امام صادق در روایت دیگری در مقام تفسیر و تطبیق این آیه‌ی شریفه، مقام امامت را والاترین مقامی دانستند که خداوند آن را به اهل بیت اعطا کرده است (عیاشی، ۵۸/۱). امام رضا(ع) نیز در ضمن روایتی در تبیین مقام امامت اهل بیت و درجات ایشان در پیشگاه خداوند، به همین آیه استشهاد فرمودند (کلینی، ۱۹۹/۱؛ نعمانی، ۲۱۷؛ ابن بابویه، ۶۷۵).

۳ـ۱ـ٤. عدم دلالت نداشتن مسأله ارتباط با فرشتگان بر برخورداری از مقام پیامبری

اعتقاد به ارتباط با فرشتگان و رفت و آمد ملائکه نزد اولیاء دین، لزوماً به معنی اعتقاد به نبوت ایشان نیست. این مسأله نیز ریشه‌ی قرآنی دارد. به عنوان نمونه حضرت مریم(س) با آن که قطعاً پیامبر نبود، اما فرشتگان نزد او رفت و آمد داشتند و برای او در محل عبادتش غذا می‌بردند (آل‌عمران، ۳۷). قرآن در جای دیگر به گفتگوی فرشتگان با

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

حضرت مریم اشاره دارد (آل‌عمران، ۴۵) و در جای دیگر به ظهور جبرئیل نزد وی در لباس انسان و بشارت به تولد عیسی تأکید می‌کند (مریم، ۱۷).

آنچه که در صورت اعتقاد به آن در مورد مقامات اهل بیت(ع) غلو محسوب می‌شود، نزول ملائکه نزد ایشان و انجام وحی تشریعی است که قطعاً بعد از رسول خدا(ص)، به اعتقاد تمام مسلمانان باب آن بسته شده و هرگز از سوی خداوند آیات جدیدی نازل نخواهد شد. اما ارتباط برخی اولیاء دین با فرشتگان ملازم اعتقاد به نبوت ایشان نیست. چنان که در مورد حضرت مریم سلام الله علیها اثبات شد.

در مورد دو عبارت «موضع الرساله» و «مهبط الوحی»، باید گفت که منظور از این عبارات زیارت جامعه، قائل شدن شأن نبوت برای امام نیست. بلکه این عبارات نوعی مجاز برای اشاره به علم الاهی نزد امام و سایر کمالات الاهی امام است. یعنی امام(ع)، واجد علم پیامبر است و البته این علم را نیز به تعلیم پیامبر کسب کرده است. این مفهوم با اشاره به عبارات بعدی نظیر «خزان العلم»، «منتهی الحلم» و «اصول الکرم» کاملاً قابل پذیرش به نظر می‌رسد.

مفهوم دیگری که برای این دو عبارت می‌توان در نظر گرفت، اشاره به قرار گرفتن نبوت در میان خاندان بنی‌هاشم و اهل بیت پیامبر است. این معنی با توجه به نخستین عبارت زیارت جامعه کبیره یعنی السلام علیکم یا اهل بیت النبوه نیز سازگار به نظر می‌رسد. در واقع زائر در حال سلام دادن به اهل خانه‌ای است که نبوت به آن مخصوص گشت و خداوند، پیامبر خود را در میان آن خانه قرار داد.

هنگامی که چنین احتمالاتی برای مفهوم زیارت می‌توان در نظر گرفت، مفاهیم برداشت شده توسط موضوع انگاران زیارت جامعه کبیره قابل پذیرش نیست و به نوعی فهم ناتمام روایت نیز محسوب می‌شود که به جعلی دانستن بی‌مورد این زیارت منجر شده است. به جهت بیان این مطلب در نفی غلو انگاری زیارت جامعه کبیره، از تکرار آن در بخش فهم ناتمام زیارت خودداری می‌کنیم.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

۳ـ۱ـ۵. عدم دلالت مفاهیم زیارت جامعه بر طلب مدح و ستایش ائمه(ع) از مردم

آن‌چنان که ذکر شد، برخی گمان کرده‌اند که عبارات زیارت جامعه در توصیف امامـان، با سلوک متواضعانه‌ی آن بزرگواران در تعارض است و امکان ندارد که آن پیشوایان، مردم را برای خوشایند خود، به بیان عبارات شرک آمیز یا تملق آمیز در حق خـود وادار کننـد. صرف نظر از آن که پیش از این نشان داده شد که عبارات زیارت جامعه، نـه تنهـا شـرک آمیز نیست، بلکه دقایق توحیدی در میان آنها نهفته است، نکته مغفول در این جا آن اسـت که امامان، هیچ کدام احتیاجی به توصیف شدن توسط مأمومان خود ندارنـد. بلکـه بیـان ایـن اعتقادات در پیشگاه خدا، نشان از تبعیت مطلق بندگان از ساحت ربوبی است. هنگامی که خدا خواسته است که مردم بر پیامبر و آل او درود فرستند و خود در این سلام فرسـتادن بـر تمـام ملائکه و بندگان سبقت جسته است (الاحزاب، ۵۶)، ایستادن در برابر امامان و ذکر کمالات آن حضرات و درود فرستادن به ارواح پاک ایشان، تبعیت از دستور الاهی و نـشان دهنـده‌ی اوج تسلیم و بندگی و خضوع در برابر خداوند است. بیان عبارات زیارت جامعه، توسـط مأمومـان برای خوشایند امامان نیست؛ بلکه چنان که از مقدمه‌ی زیارت قابل فهم است، راهی برای ابراز عشق و علاقه‌ی ارادتمندان و همچنین نشانی از پذیرش بی‌چون چرای ولایـت آن بزرگـواران است. در حقیقت تعلیم زیارت جامعه به شیعیان، بـرای تعـالی روح آنـان و آشـنایی آنـان بـا ویژگی‌ها و خصائل امامان(ع) است، نه طلب مدح و ستایش امامان از زائران.

اگر استدلال جریان تجدید نظر طلب در مورد تعارض عبارات زیارت جامعه با سلوک اهل‌بیت(ع) پذیرفته شود، به طریق اولی، باید تمام تسبیحات و تهلیلات و شـکرگزاری‌هـا نسبت به خداوند متعال نیز کاری عبث شمرده شود. چرا که خدا نیازی به عبـادت بنـدگان ندارد. اما بی نیازی حضرت حق از عبادت بندگان، دلیلی بر جعلی بودن و دروغین شمردن آیات متعدد قرآن در تشویق به افعال و اذکار پیش گفته نیست. بلکه این اذکار، باعث تعالی و رشد گویندگان می‌شود و دریچه‌ای برای جلب رحمت پروردگار است. در مورد زیارات نیز همین گونه است. بدیهی است که امامان به بیـان ایـن توصـیفات نیـازی ندارنـد؛ ایـن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

مأمومان هستند که محتاجند، مقام و معرفت پیشوایان خود را از لابه‌لای عبارات این زیارت دریابند و نسبت به این ویژگی‌ها خضوع کنند و با این عبارات، پذیرش خود نسبت به این مقامات الاهی را اثبات نمایند.

۳ـ۲. فهم ناتمام آیات مورد استناد تجدید نظر طلبان از قرآن و عدم تعارض مستقر عبارات زیارت جامعه با آن

پیش از حکم کردن به وضع حدیث به جهت مغایرت با آیات قرآن کریم، مهمترین کاری که باید صورت پذیرد، بررسی منطوق، مفهوم و تفسیر آیات قرآن است. بدون توجه به این موضوع اساسی و مهم، نمی‌توان روایات را مورد نقد متنی قرار داد (سلطانی، ۷۸). چرا که ممکن است روایت با برخی از برداشت‌های تفسیری قابل جمع باشد. این در حالی است که احتمالات تفسیری متفاوتی در مورد بسیاری از آیات قرآن وجود دارد که بسیاری از آنها با ظاهر قرآن نیز سازگار است. انتخاب تنها یک تفسیر از میان این تفاسیر و سپس سپردن روایات به تیغ نقد متنی بر اساس همین برداشت انحصاری، خطایی بزرگ است که باعث بی‌اعتباری نقدهای متنی به روایات می‌شود.

آیات مختلفی در کلام موضوع انگاران زیارت جامعه مورد استشهاد قرار گرفته و با بخش‌هایی از این زیارت متعارض معرفی شده است. حال آن که در صورت توجه دقیق به مفاهیم این آیات شریف، ملاحظه می‌شود که برداشت انجام شده از این آیات، دقیق نبوده و لذا تعارض اولیه‌ی احساس شده میان آیات شریفه و این زیارت، قابل رفع است. این در حالی است که نقد متنی روایات بر اساس قرآن کریم، منوط به تعارض مستقر و منافات کلی با محکمات کتاب و روح کلی و طبیعت عمومی احکام و آموزه‌های قرآن کریم است (رحمان ستایش، ۱۶۶؛ احمدی نورآبادی، ۲۱۱)). نقد متنی در ادامه به بررسی و اعتبار سنجی نمونه‌هایی از این نقدهای متنی خواهیم پرداخت.

۳ـ۲ـ۱. فهم نا تمام آیات ظاهراً معارض با عبارت «و ایاب الخلق الیکم و حسابهم علیکم»

به عنوان نمونه در آیه‌ی شریفه‌ی «فَإِنَّما عَلَيْکَ الْبَلاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِساب» (الرعد، ۴۰)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

مراد الاهی آن است که در صورت ایمان نیاوردن کافران، پاسخگویی در قبال کفر ایشان بر عهده‌ی پیامبر نیست و مؤاخذه‌ای متوجه آن حضرت نخواهد بود. چرا که او وظیفه‌ی خود را که ابلاغ پیام الاهی بوده است، به درستی به انجام رسانده و مسؤول پذیرش یا عدم پذیرش کافران نیست و عذاب الاهی دیر یا زود به سراغ کافران خواهد آمد (طبرسی، ۴۵۹/۶؛ فیض کاشانی، ۷۶/۳). در واقع آیه‌ی شریفه در مقام بیان انحصار حساب و کتاب روز قیامت توسط خداوند نیست؛ بلکه در مقام قوت قلب بخشیدن به پیامبر اکرم(ص) و رهانیدن آن حضرت از رنج ایمان نیاوردن و لجاجت برخی از مشرکان است. برخی دیگر از تفاسیر نیز مراد از حساب را مجازات خداوند بر بدکاران و کافران معنا کرده‌اند (طبری، ۱۱۶/۱۳؛ سمرقندی، ۲۳۲/۲). وجود ضمیر مفرد مخاطب برای ابلاغ پیام خداوند در این آیه نشان دهنده‌ی انحصار پیامبر در این ابلاغ است و وجود ضمیر متکلم مع الغیر در رسیدگی به حساب بندگان، شاهد دیگری بر وجود عواملی نظیر فرشتگان در رسیدگی به حساب و کتاب اعمال بندگان نیز هست. لذا همین آیه نیز وجود برخی دیگر از عوامل در رسیدگی به حساب همراه با خداوند و در طول فرمان او را به تلویح بیان می‌کند. اگر انجام حساب بندگان توسط برخی عوامل که در سیطره‌ی قدرت و علم خداوند هستند، اثبات شود، قرارگیری پیامبران و امامان، در زمره‌ی این محاسبه کنندگان، قابل پذیرش خواهد بود.

همچنین در آیه‌ی «**ما عَلَیْکَ مِنْ حِسابِهِمْ مِنْ شَیْءٍ**» (الانعام، ۵۲) در مورد مرجع ضمیر در واژه‌ی «حسابهم» در میان مفسران اختلاف نظر است. برخی مانند ابن عباس آن را به کافران در آیه‌ی ۴۹ باز می‌گردانند: «**وَ الَّذینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا یَمَسُّهُمُ الْعَذابُ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ**» که در این صورت همان معنای آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی رعد برای آن متصور است (طبرسی، ۱۰۳/۸). یعنی آیه‌ی شریفه در مقام رها کردن پیامبر از پاسخ‌گویی به لجاجت و کفرورزی مشرکان است. برخی دیگر آیه‌ی شریفه را چنان معنا کرده‌اند که روزی دادن به مؤمنان تنگدست بر عهده‌ی پیامیر نیست و پیامبر نباید از ترس فقر، آنان را از خود دور کند (طوسی، ۱۴۵/۴؛ طبرسی، ۱۰۳/۸). این مسأله البته آن چیزی بود که برخی از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

ثروتمندان از پیامبر می‌خواستند و در جواب این تقاضای آنان، این آیات نازل شد. (بحرانی، ۴۲۳/۲)

مهمترین آیه‌ای که موضوع انگاران زیارت جامعه‌ی کبیره آن را مغایر این زیارت دانسته‌اند، آیه‌ی شریفه‌ی «**إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُم، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُم**» (الغاشیه، ۲۵و۲۶) است. برخی از مفسران ضمیر متکلم مع الغیر در آیات قرآن کریم را علاوه بر تعظیم و تفخیم خداوند متعال، به وجود داشتن اسباب و وسایلی در انجام افعال الاهی تفسیر کرده‌اند (طیب، ۲۴/۱۱؛ طباطبایی، ۳۶۶/۱۱؛ طالقانی، ۱۶۶/۴). یعنی همان پاسخی که طباطبایی سعی در انکار آن دارد. هنگامی که خداوند عملی را به خود نسبت می‌دهد، به معنی آن نیست که از اسباب و وسایلی در جهت تحقق آن بهره نبرد. ممکن است فرشتگان به دستور خداوند برای محاسبه‌ی اعمال انسانها در قیامت عهده‌دار مسؤلیت‌هایی شوند. مسأله‌ای که از ضمیر متکلم‌مع‌الغیر در این آیه نیز به نظر می‌رسد.

در چنین شرایطی عهده‌داری فرشتگان بر برخی مراحل حساب و کتاب را نمی‌توان با نسبت دادن حساب و کتاب روز قیامت به ذات پروردگار در این آیه مغایر دانست. پیامبر و امامان نیز ممکن است به اذن و دستور خداوند، به حساب و کتاب اعمال انسانها در قیامت رسیدگی کنند. چنین نسبتی در شرایط ذکر شده، منافی نسبت دادن محاسبه‌ی اعمال به خداوند متعال در قیامت نخواهد بود؛ چرا که به اذن و دستور الاهی انجام پذیرفته و در حقیقت، رسیدگی اولیاءالله به حساب بندگان به دستور خداوند، در طول فرمان الاهی است و انتساب آن به حضرت حق شایسته است (سند، ۱۳۸۶ب، ۶۳؛ علوی مهر، ۴۲).

درباره‌ی تعارض این آیات با زیارت جامعه بیان این نکته نیز خالی از لطف نیست که در برخی آیات قرآن، حسابگری خود انسان بر اعمال خویش در روز قیامت مورد اشاره قرار گرفته و همان حسابگری نیز کافی دانسته شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «**اقْرَأْ كِتابَكَ كَفى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسيبا**» (الاسراء، ۱۴) که در حسابگری انسان به اذن و دستور الاهی بر اعمال خویش صراحت دارد (علوی مهر، ۳۸). لذا اگر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

تفسیر افرادی نظیر قلمداران، برقعی و طباطبایی از آیات سوره‌ی غاشیه را بپذیریم و خداوند را تنها مرجع حسابرسی در روز قیامت بدانیم و ورود اسباب و وسایل در این کار را منتفی بدانیم، ناچار باید بپذیریم که در میان آیات قرآن تعارض پیش آمده که قطعاً مورد قبول هیچ یک از افراد پیش گفته نخواهد بود.

۳ـ۲ـ۲. حضور مفهوم «ارجاع حساب و کتاب به پیامبر و امامان(ع)» در روایات متعدد

منظور از بازخوانی عقاید شیعی در پرتو خوانش زیارات مأثوره، هرگز این نبوده است که مبانی اعتقادات را بر مضامین یک زیارت قرار دهیم. بلکه مراد آن بوده است که در شناخت بهتر عقاید، از این مضامین کمک بگیریم. اعتقاد یافتن به برخی مفاهیم مهم در مورد اهل بیت پیامبر(ص)، به اخبار و آثار متعددی نیازمند است و برای اعتقاد جزمی یافتن به مسأله‌ای در این حدود، بیان یک روایت کفایت نمی‌کند. در این جا باید گفت که بحث انجام حساب مردم در روز قیامت توسط پیامبر و اهل بیت، منحصر به زیارت جامعه‌ی کبیره نیست و روایات متعدد دیگری در این زمینه در دست است. از جمله آن که امام باقر در ضمن روایتی فرمود: «... **فَيُدْفَعُ إِلَيْنَا حِسَابُ النَّاسِ فَنَحْنُ وَ اللَّهِ نُدْخِلُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَ النَّارِ النَّار**...» (کلینی، ۱۵۹/۸) و همچنین حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند: «**إِلَيْنَا إِيَابُ هَذَا الْخَلْقِ وَ عَلَيْنَا حِسَابُهُم**» (همان، ۱۶۲/۸) و امام صادق(ع) در پاسخ به سؤال قبیصه بن یزید جعفی در باره‌ی این آیه: «**أَسْأَلُکَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُمْ**» فرمودند: **قَالَ فِينَا التَّنْزِيلُ قَالَ قُلْتُ إِنَّمَا أَسْأَلُکَ عَنِ التَّفْسِيرِ قَالَ نَعَمْ يَا قَبِيصَةُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَعَلَ اللَّهُ حِسَابَ شِيعَتِنَا عَلَيْنَا فَمَا كَانَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ اسْتَوْهَبَهُ مُحَمَّدٌ ص مِنَ اللَّهِ وَ مَا كَانَ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ النَّاسِ مِنَ الْمَظَالِمِ أَدَّاهُ مُحَمَّدٌ(ص) عَنْهُمْ وَ مَا كَانَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ وَهَبْنَاهُ لَهُمْ حَتَّى يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَاب**» (کوفی، ۵۵۲). امام رضا(ع) در روایتی به نقل از رسول خدا(ص) فرمودند: «**إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وُلِّينَا حِسَابَ شِيعَتِنَا**...» (ابن بابویه، ۵۷/۲) و امام صادق(ع) فرمودند: «... **إِلَيْنَا الصِّرَاطُ وَ الْمِيزَانُ وَ حِسَابُ شِيعَتِنَا وَ اللَّهِ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ**» (صفار، ۲۶۵/۱)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

این‌ها همه غیر از روایاتی است که در ذیل آیه‌ی «**أَلْقِیا فی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِید**» در تفاسیر روایی شیعه و سنی نقل شده است. به عنوان نمونه این روایت نبوی قابل تأمل است: «**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ یَقُولُ اللَّهُ تَعَالَی لِی وَ لِعَلِیٍّ أَلْقِیَا فِی النَّارِ مَنْ أَبْغَضَکُمَا ـ وَ أَدْخِلَا الْجَنَّةَ مَنْ أَحَبَّکُمَا، فَذَلِکَ قَوْلُهُ تَعَالَی: أَلْقِیا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِید**» (حسکانی، ۲۶۲/۲) بر اساس این روایت از منابع اهل سنت، خداوند به پیامبراکرم(ص) و امیرمؤمنان(ع) برای وارد کردن انسانها در بهشت و جهنم اختیار خواهد داد و آن دو نیز بر اساس محبت و بغض انسانها نسبت به ایشان، در این مورد قضاوت خواهند کرد. مشخص است که این تقسیم بهشت و جهنم، شأنی از شؤون رسیدگی به حساب و کتاب بندگان در روز قیامت و در ادامه‌ی آن است. بدیهی است که پیامبر و امیرمؤمنان(ع) بدون بررسی نامه‌ی اعمال یک فرد و چگونگی تحقق عدالت درباره‌ی او، اقدام به بهشتی کردن یا جهنمی نمودن فردی نمی‌کنند و در این میانه البته، محبت اهل بیت(ع) کفه‌ی ترازوی اعمال بندگان را به سمت نیکی سنگین‌تر می‌کند. قسیم بودن امام علی(ع) برای بهشت و جهنم نیز، مفهوم مکرر و مشابهی است که روایات آن متواتر است (صفار، ۴۱۴/۱ـ۴۱۶؛ کلینی، ۱۹۶/۱و۱۹۷) تنها در کتاب بصائرالدرجات، در بابی با همین عنوان، نه روایت در این زمینه نقل شده است.

ملاحظه می‌شود که مفهوم انجام حساب در روز قیامت توسط پیامبر و اهل بیت(ع)، مفهومی مکرر در روایات است و با نقد متنی یک یا دو روایت و موضوع انگاری آن، نمی‌توان اصل صورت مسأله را پاک کرد. بلکه باید به دنبال فهم دقیق از آیات قرآن و روایات در این باب بود تا دچار این تعارض بدوی نگردیم. در عین حال وجود چنین مضامینی در متن زیارت جامعه کبیره –که می‌توان تکرار آن را در سایر روایات صحیح و معتبر ریشه‌یابی کرد ـ خود یکی دیگر از دلایل اطمینان به متن این زیارت خواهد بود.

۳ـ۲ـ۳. عدم تعارض روشن شدن زمین به نور پروردگار و نور اهل بیت(ع) به صورت توأمان

تعارض بدوی و ظاهری دو عبارت «**و اشرقت الارض بنور ربها**» در قرآن کریم و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

«**اشرقت الارض بنورکم**» در زیارت جامعه نیز قابل رفع است؛ به این صورت که احتمالات زیادی در تفسیر این آیه‌ی شریفه و همچنین این بخش از زیارت جامعه وجود دارد که پذیرش هر یک از آن‌ها، باعث می‌شود که تعارض بدوی و اولیه رفع شود و این دو عبارت با یکدیگر قابل جمع باشند.

اولین احتمال آن است که آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی زمر، مربوط به قیامت و حوادث پس از آن باشد. در این آیه‌ی شریفه خداوند متعال می‌فرماید: «و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و نامه‌ی (اعمال) نهاده می‌شود و پیامبران و گواهان آورده می‌شوند و بینشان به حق داوری می‌شود؛ در حالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند.» آیات پیش از این آیه در سوره‌ی زمر نیز در مورد قیامت است. افزون‌تر آن‌که نور خداوند، همانند سایر انوار نیست و خدا منزه از شبه و مثل داشتن و دیده شدن است. لذا مفسران، روشن شدن زمین را به روشن شدن آن با عدل الاهی تفسیر کرده‌اند (طوسی، ۴۷/۹؛ مجلسی، ۳۲۱/۶؛ فیض کاشانی، ۳۳۱/۴؛ زمخشری، ۱۴۵/۴). در واقع این آیه را باید چنین تفسیر کرد که چشمان زمین به نور عدل پروردگار روشن می‌شود. برخی مفسران حتی در میان اهل سنت ضمن تفسیر این آیه بدین شکل، انحصار روشن شدن زمین به نور عدل پروردگار را نپذیرفته‌اند و آن را برای دیگران نیز ممکن دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۵/۴). اگر این احتمال پذیرفته شد، می‌توان گفت که اهل‌بیت علیهم‌السلام، کارگزاران دستگاه عدالت الاهی هستند و از آن جا که زمین به نور عدل پروردگار روشن می‌شود، می‌توان گفت که به نور عدل اهل بیت(ع) نیز روشن می‌شود. نوری که خداوند متعال به آنان عطا فرموده و در طول نور الاهی است و نه در عرض آن. نمونه‌ای از روشن شدن زمین به نور عدل در ظهور امام عصر(عج) به نمایش گذاشته می‌شود. از این‌رو برخی از روایات، ظهور عدل در دوران امام مهدی(ع) را مصداقی از این آیه‌ی شریفه دانسته‌اند (مفید، ۳۸۱/۲؛ طوسی، ۴۶۸).

در مقابل احتمال آن هست که عبارت زیارت جامعه‌ی کبیره برخلاف آیه‌ی کریمه ـ که

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

در حال بیان حالات قیامت است ـ در حال اشاره به عالم دنیا باشد. بر مبنای این تبیین، زمین و اهل آن از نور علم و هدایت امامان(ع) در دنیا متنعم هستند (بنابر عبارت زیارت جامعه کبیره) و لازم است برای یافتن مسیر هدایت و طریق سعادت، از این نور بهره بجویند و آن چه که در آیه ۶۹ سوره زمر آمده، مربوط به عالم قیامت است و بدین گونه تعارض اولیه و ظاهری میان این دو عبارت رفع می‌شود.

سومین احتمال آن است که رب را در آیه‌ی شریفه به معنای خداوند در نظر نگیریم و به جهت رسیدن فیوضات رحمانی به واسطه‌ی اهل بیت به زمین و اهل آن، اهل‌بیت را «رب الارض» به معنای رشد دهنده‌ی زمین بدانیم. در این جا ما به معنای لفظی رب اکتفا کرده‌ایم و از اطلاق آن به خداوند پرهیز داشته ایم. چنین استفاده‌ی معنایی از واژه‌ی رب در قرآن کریم، بی‌سابقه نیست. در سوره‌ی یوسف در دو موضع (آیات ۴۲ و ۵۰) حضرت یوسف(ع) از پادشاه مصر با لفظ رب یاد می‌کند.

۳ـ۳. فهم وارونه و ناتمام مضامین زیارت جامعه کبیره از سوی تجدیدنظر طلبان

نکته‌ی بسیار مهم دیگر برای بررسی نقدهای متنی انجام شده بر روی زیارت جامعه کبیره آن است که برای فهم محتوای تمام روایات و از جمله این زیارت، لازم است تمام کوشش‌های فقه الحدیثی صورت پذیرد . کاری که منتقدان از انجام آن سرباز زده‌اند و تنها فهم خود از زیارت و آیات قرآن کریم را مبنای نقد متنی زیارت جامعه کبیره قرار داده‌اند. این در حالی است که برای فهم معانی این زیارت، مراجعه به کتاب‌های لغت، آیات همسو یا شامل مفاهیم بیان شده در قرآن کریم و سایر روایات هم خانواده و قریب المعنی ضروری است (مسعودی، ۲۳۵).

۳ـ۳ـ۱. معنای اقامه حدود از سوی اهل بیت(ع)

آن‌چنان‌که پیشتر بیان شد، برخی نویسندگان جریان تجدیدنظر طلب در مورد عبارت «اقمتم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

حدوده» به این نقد متنی پرداخته‌اند که چون تمام امامان نتوانسته‌انـد زمامـداری جامعـه را در دست گیرند و حدود الاهی را اجرا کنند، اطلاق این تعبیر به تمام اهل بیت خلاف واقع است و لذا زیارت جامعه را موضوع انگاشته‌اند. در نقد این دیدگاه نکات ذیل قابل تأمل است:

اولاً انحصار اجرای حدود الاهی به بحث خاص حدود در فقه در این‌جا ادعایی بـلا دلیـل است. برخی از محققان اجرای حدود در این زیارت را به معنی عمل با توجه به شرایط مقـرره در شرع دانسته‌اند (نقوی، ۳۳۳) آنان به آیات قرآن کریم استناد جـسته‌انـد کـه در بـسیاری از مواضع، حدود الاهی به مسائلی فراتر از مجازات‌های دینی در قبال اعمال زشـت و ناپـسند و برخی گناهان خاص مانند شرابخواری، دزدی، زنا و یا لواط اطلاق شده است. به عنوان نمونـه در آیه ۱۸۷ سوره بقره، حدود الاهی به معنـای اجـرای قـوانین روزه داری و پرهیـز از روزه خواری است؛ بدون آن که در مقام ذکر مجازات برای روزه خواران باشد. یا در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره‌ی نساء، قرآن کریم پس از بیان نحوه‌ی تقسیم ارث در آیات قبل، رعایت ایـن قـوانین را اقامه‌ی حدود الاهی تلقی کرده که اجرای آن باعث سعادتمندی و متروک گذاشتن آن مستوجب عقوبت الاهی در قیامت می‌شود. با این تفسیر، اهل بیت(ع) کسانی هستند که در انجام فـرائض الاهی، تمام کوشش خود را مصروف داشته‌اند و تا آن‌جا که توانـسته‌انـد، بـه وظـایف بنـدگی خداوند عمل کرده‌اند و آن جا که ظالمان و جائران مانع بوده‌اند، با تقیه وظایف خود را به انجام رسانیده‌اند و این معنای اقمتم حدوده است.

ثانیاً در صورتی که بپذیریم برخی از اعمال مقرره در شرع جز با اقامه‌ی حدود بـه معنـای فقهی آن قابل انجام نیست، باید در مورد معنای اقامه‌ی حد نیـز گفـت و گـو کنـیم. برخـی از شارحان زیارت جامعه‌ی کبیره، اقامه‌ی حد را به معنای اجرای حد توسط خود امام ندانسته‌اند. بلکه بیان احکام مرتبط با حدود برای اجرا در دوران‌های بعدی را بـه عنـوان اقامـه‌ی حـدود توسط امام معنا کرده‌اند (استادی، ۱۱۴). با این توضیح، هرچند که برخی از امامـان(ع) امکـان اجرای حد به دست خود را نیافتند، اما با بیان ضوابط این حدود در دوران خود، سایر مسلمانان را به روش صحیح اجرای حد شرعی و همچنین استثنائات آن آشنا ساختند. همچنین این تعالیم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

برای روزگاران بعدی باقی ماند تا آنان که می‌خواهند به اجرای حـدود الاهـی بپردازنـد، راه و رسم آن را بشناسند و از این طریق حدود الاهی توسط اهل بیت(ع) اقامه گردیده است.

۳ـ۳ـ۲. معنای کافر بودن دشمنان اهل بیت(ع) و عدم تعارض زیارت جامعه با سیره ی اهل بیت در برخورد با مخالفان

رفع تعارض ظاهری عبارت «و من جحدکم کافر» با سیره‌ی اهل بیـت در برخـورد بـا مخالفانشان نیز به سادگی امکان‌پذیر است. هر چند که در قرآن کریم کفر در برابر ایمـان و کافر در برابر مؤمن معنا پیدا می‌کند، اما تنها معنای کفـر، ایمـان نیـاوردن نیـست. یکـی از معانی کافر در ادبیات دینی، کسی است که نسبت بـه نعمـت‌هـای الاهـی کفـران نعمـت و ناسپاسی می‌کند (نقوی، ۳۹۷ و ۳۹۸). در آیات قرآن، در برابر شاکران در برابر نعمت‌هـای الاهی، کافران قرار گرفته‌اند: «**لَـئِنْ شَـکَرْتُمْ لَأَزِیـدَنَّکُمْ وَ لَـئِنْ کَفَـرْتُمْ إِنَّ عَـذابی لَـشَدید**» (ابراهیم، ۷) و همچنین در آیه شریفه «**أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّـذینَ بَـدَّلُوا نِعْمَـتَ اللَّـهِ کُفْـراً وَ أَحَلُّـوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَـوار**» تبدیل نعمت به کفر، موضوع سخن قرار گرفتـه اسـت. اگـر کـافر را در زیارت جامعه‌ی کبیره به معنای اخیر بدانیم، رفع تعارض ظاهری بسیار آسان خواهد شـد. یعنی کسانی که در برابر اهل بیت دشمنی کرده‌اند، دچار کفران نعمت شده‌اند؛ چرا کـه اهـل بیت بالاترین نعمت خداوند بر بندگان هستند و خداوند در غدیر خم، با ولایت آنان، نعمت را بر بندگان تمام کرده است (المائده، ۳).

نکته دیگر در مورد معنای کافر آن است که کفر نیز مانند ایمان دارای درجات مختلـف است. آن‌چه که موجب خروج ظاهری افراد از کفر مطلق می‌شود، بیان شهادتین اسـت. بـا بیان شهادتین، احکامی که بر مسلمانان قابل اجرا است، بر گوینده‌ی این دو شـهادت قابـل اجرا می‌شود و حرمت خاصی نسبت به او حاکم می‌شود. اما بیان ایـن دو شـهادت، هرگـز برای سعادت و خروج از ضلالت و گمراهی کافی نیست و انسان به هر اندازه که از تعـالیم الاهی پیامبر دور باشد، به درجاتی از ایمان دور و به کفر نزدیک اسـت. مـراد از کـافر در زیارت جامعه‌ی کبیره، چنان که برقعی برداشت کرده، به معنی خروج از اسلام و بار شـدن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

احکام کافر و غیر مسلمان بر دشمنان و منکران اهل بیت نیست. بلکه به معنای دور افتادن آنان از حقیقت و به حاشیه رفتن از صراط مستقیم ایمان است. بنابراین منظـور از کفـر در زیارت جامعه، کفر واقعی است و نه کفر ظاهری و فقهی (نقوی، ۳۹۷). منظور آن است کـه در روز قیامت، چنین فردی در زمره‌ی اهل ایمان محشور نمی‌شود و در صف کافران قـرار می‌گیرد. با چنین تفسیری، زیارت جامعه‌ی کبیره با تمام روایات رسـیده از اهـل بیـت در مراعات عامه و حفظ حرمت و حریم ایشان به واسطه‌ی بیان شهادتین و حفظ یکپـارچگی و دوری از اختلاف افکنی، کینه ورزی و دشمنی کور، قابل جمع خواهد بود.

این مضمون از زیارت جامعه مؤیدات روایی فراوانی نیز دارد. شاید مشهورترین مـورد آن روایت نبوی «**من مات و هو لا یعرف امامه مات میتـة جاهلیـة**» (برقـی، ۹۲/۱ و ۱۵۴؛ کلینی، ۳۷۷/۱و۳۷۸؛ نعمانی، ۱۳۰؛ ابن بابویه، ۴۱۳/۲؛ احمد بن حنبـل، ۹۶/۴؛ طبرانـی، ۳۸۸/۱۹) باشد (گنجی حسین، ۱۱۵). مطابق این روایت متواتر، عدم معرفـت و شـناخت امام زمان، باعث می‌شود که فرد به مرگ جاهلیت مرده باشد و کافر محسوب شود. بـدیهی است که مرگ جاهلیت یا کافرانه، به معنی مترتب نشدن احکام اسلامی بـر فـرد مـرده بـا چنین مشخصه‌ای نیست. یعنی به صرف ادای شهادتین، تمـام احکـام مـسلمانی بـر او بـار می‌شود و این البته نازلترین سطح مسلمانی است. این در حالی است که عدم شناخت امـام تنها دلیل برای کفر یا بازگشت به دوره جاهلیت در روایات نیست. برخـی روایـات، حتـی نوشیدن مسکرات را دلیـل بـر مـرگ جاهیلـت شـناخته‌انـد (حـاکم نیـشابوری، ۱۶۳/۴؛ ریشهری، ۲۷۶) و شارب خمر را کافر دانسته‌اند (کلینـی، ۴۰۵/۶؛ ابـن بابویـه، ۲۴۵) کـه همانند بت‌پرستان در پیشگاه الاهی محشور می‌شود (حمیری، ۲۷۳).

بهترین راه برای جمع این روایات، همان قائل شدن به مراتب مختلـف اسـلام و ایمـان برای افراد مختلف است. بر این اساس، منظر و مقسم هر دسته از روایات نسبت به عناوینی چون کفر، اسلام و ایمان متفاوت است و باید بر اساس قواعد فقـه الحـدیثی و قرینـه‌هـای متصل و منفصل، شناخته و فهم شود. در نتیجه نقد متنی سایر روایات با اتکا به هر دسته از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

این روایات، به جهت ناهمسانی مقسم و منظر آنها، غیر علمی است و مسأله‌ای است کـه از نگاه نووهابیان و جریان تجدید نظر طلبی در عقاید شیعی پنهان مانده است.

۳ـ۳ـ۳. معنای معرفت گردنکشان و مخالفان اهل بیت(ع) به مقامات آنان

مخالفت طغیان‌گران در برابر اهل بیت در این عالم که به مقامات آن بزرگواران معرفـت نیافتند و به آن اقرار نکردند و یا غفلت برخی گردن‌کشان از درک مقامات الاهی اهل بیـت نیز نمی‌تواند دلیلی بر موضوع انگاری زیارت جامعه تلقی گردد. زیرا «**عبارت فبلغ الله بکم اشرف محل المقـربین...**» می‌تواند در مورد عـالم ذر و شناسـاندن اهـل بیـت(ع) بـه تمـام مخلوقات توسط خداوند تعبیر و تفسیر شود. بنابرمفاد روایـات عـالم ذر، خداونـد متعـال ربوبیت خویش و نبوت پیامبر و نبوت همه‌ی پیامبران و وصایت اوصیای آنان را به انسانها شناسانده است (بیابانی، ۱۲۰).

ضمن آن‌که با معرفی پیامبر در همین دنیا نیز، بسیاری از جباران و معاندان، پی به عظمت و قدرت و مقام الاهی اهل بیت برده‌اند؛ خواه بدان اعتراف نیز کرده باشند و خواهـد در برابـر آن عناد جسته باشند. (نقوی، ۴۴۰) ضمن آن که اصل این جمله هرچند به صورت ماضی بیان شده است، اما نوعی حالت دعا و درخواست از خداوند برای به فعلیت رسیدن این خواسـته را نیـز می‌تواند شامل شود. با چنین تفسیری، آشنا شدن تمام مخلوقات با شؤون اهل بیـت در زمـان قیام امام عصر(ع) یا پس از مرگ مخلوقات و یا در روز قیامت دور از ذهن نیست. مواردی که هر یک دارای مؤیدات فراوانی در میان روایات جوامع حدیثی شیعه نیز هست.

٤ـ نتایج مقاله

۴ـ۱. برخی معاصران، به جهت آن که عبارات زیارت جامعـه را غلـوآمیز و مغـایر بـا آموزه‌های قرآنی پنداشته‌اند، به جعلی بودن این زیارت حکم کرده‌اند.

۴ـ۲. مفاهیم زیارت جامعه کبیره منحصر به عبارات مذکور در این زیارت نیست و این گونه نیست که مقامات فوق بشری اهل بیت تنها با استناد به این زیارت قابل اثبات باشـد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

بلکه روایات متعددی بیانگر همین مفاهیم است و به فرض موضوع دانستن این زیارت، نمی‌توان منکر مفاهیم این زیارت شد که به طور مکرر در جوامع روایی و در روایات متعدد مورد اشاره قرار گرفته است.

۴ـ۳. هر چند که برخی قائل شدن به مقامات فوق بشری برای اهل بیت(ع) را از مصادیق غلو می‌دانند، اما با توجه به ادله‌ی قرآنی متعدد، قائل شدن به این مقامات که در طول قدرت و اراده‌ی الاهی و به اذن پروردگار است، حتی غلو غیر الحادی نیز محسوب نمی‌شود. به جهت تأکید بر بنده بودن اهل‌بیت(ع) در زیارت جامعه‌ی کبیره، شهادت به یگانگی خداوند، اصرار بر ارجاع مردم به خداوند توسط اهل بیت(ع) و اقرار به انجام فرائض الاهی توسط آنان، اتهام غلو الحادی نیز به مضامین این زیارت، قابل پذیرش نیست.

۴ـ۴. مهمترین اشکال محتوایی موضوع انگاران زیارت جامعه کبیره، مغایر دانستن برخی عبارات آن با آیات قرآن است. این اشکال به دلیل عدم توجه به مفاهیم این زیارت یا عدم توجه کامل به تفسیر آیات قرآن بروز کرده است. یعنی در مواردی تفسیر آیات قرآن مورد فهم کامل قرار نگرفته و برداشت موضوع انگاران این زیارت از آیه‌ی قرآن با مفاهیم زیارت مغایر دانسته شده است. یا عبارات زیارت مورد فهم دقیق قرار نگرفته و با آیات قرآن معارض تشخیص داده شده است. حال آن که اگر از موازین تفسیری دقیق و قواعد فقه الحدیثی استفاده‌ی کامل شود، تمام این تعارض‌های اولیه قابل رفع است.

۴ـ۵. وجود احتمالات معنایی متفاوت و بعضاً متعدد در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت(ع) که مطابق با ظاهر آیات و روایات نیز هست، پژوهشگران را از تسرّع در نقد متنی روایات بر اساس آیات قرآن کریم برحذر می‌دارد؛ چرا که ممکن است برخی تفسیرها از روایت، با برخی تفسیرها از آیات قرآن کریم، سازوار باشد. مسأله‌ای که در نقد متنی روایات، از دید جریان تجدید نظر طلب در عقاید شیعی دور مانده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.

۳. همو، علل الشرایع، قم: کتابفروشی داوری. ۱۳۸۵ ق.

۴. همو، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.

۵. همو، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۳ ق.

۶. همو، الامالی، تهران: کتابچی. ۱۳۷۶ش.

۷. احمدی نورآبادی، مهدی، عرضه‌ی حدیث بر قرآن، قم: دارالحدیث. ۱۳۹۲ ش.

۸. استادی رضا، شرح زیارت جامعه کبیره علامه ملامحمد تقی مجلسی، قم: ارزشمند. ۱۳۸۵ش.

۹. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه. ۱۴۱۶ق.

۱۰. برقعی (ابن الرضا)، سیدابوالفضل، نقد و بررسی مفاتیح الجنان، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۱. همو، تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن، بی جا: کتابخانه عقیده، ۱۳۹۴ ش.

۱۲. همو، خرافات وفور در زیارات قبور، بی‌جا: کتابخانه عقیده، ۱۳۸۵ ش.

۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.

۱۴. بیابانی، اسکویی محمد، انسان در عالم ذر: نتایج و تواتر روایات، فصلنامه علمی ترویجی سفینه، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۷، ۱۳۸۷ش.

۱۵. جعفریان رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران (سالهای ۱۳۲۰ــ۱۳۵۷)، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، ۱۳۸۲ش.

۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، شرح زیارت جامعه کبیره، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲ ش.

۱۷. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

۱۸. حب‌الله، حیدر، نظریه السنه فی الفکر الامامی الشیعی التکون و الصیروره، بیروت: مؤسسه الانتشار العربی، ۲۰۰۶م.

۱۹. حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: وزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۱ق.

۲۰. حق‌شناس مرتضی، بررسی و تبیین معنای غلو و غالی در اسلام و موضع شیعه در این خصوص، فصلنامه علوم اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵ش.

۲۱. حمیری، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۳ ق.

۲۲. خسروپناه عبدالحسین، آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر، فصلنامه علمی ترویجی قبسات، شماره۲۸، ۱۳۸۲ش.

۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت ـ دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.

۲۴. رحمان ستایش، محمدکاظم و جوکار، حامد، ضوابط عرضه‌ی روایات به قرآن کریم، دو فصلنامه‌ی علمی ـ پژوهشی کتاب قیم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان، ۱۳۹۴ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

۲۵. رضوی، سیدمحمد، پژوهشی پیرامون پدیده‌ی غلو و جریان غالی‌گری در شیعه، فصلنامه علمی ترویجی سفینه، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۵ش.

۲۶. ری‌شهری، محمد، العقل و الجهل فی الکتاب و السنه، بیروت: دارالحدیث للطباعه و النشر، ۱۴۲۱ ق.

۲۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، لبنان ـ بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

۲۸. سلطانی، اسمعیل، مقصود از موافقت و مخالفت حدیث با قرآن در روایات عرض، ماهنامه علمی ـ ترویجی معرفت، شماره ۱۳۶، فروردین ۱۳۸۸ش.

۲۹. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.

۳۰. سند، محمد، بررسی سندی زیارت جامعه‌ی کبیره، فصلنامه‌ی علمی ـ ترویجی سفینه، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۶ش.

۳۱. سند، محمد، بررسی محتوایی زیارت جامعه‌ی کبیره، فصلنامه علمی ـ ترویجی سفینه، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۶ش.

۳۲. شبر، سید عبدالله، الانوار اللامعه فی شرح زیاره الجامعه، تهران: مؤسسه بعثت، ۱۴۰۷ق.

۳۳. صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان، کاوشی در جریانها و برآیندها تا پایان سده سوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱ ش.

۳۴. طالقانی، سیدمحمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.

۳۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۳۶. طباطبایی، مصطفی، نقد کتب حدیث، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۷۹ش.

۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ق.

۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۳۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

۴۰. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۴۱. همو، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۴۲. همو، الغیبه، ایران ـ قم: دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.

۴۳. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۴۴. علوی مهر، حسین منزلت امامان شیعه(ع) و چگونگی حسابرسی مردم در قیامت، مجله شیعه شناسی، شماره ۱۶، ۱۳۸۵ش.

۴۵. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ق.

۴۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.

۴۷. قبادی، مریم و مهدوی‌راد، محمدعلی، بازشناسی اندیشه‌ی غلو، فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات اسلامی، شماره‌ی ۷۸، زمستان ۱۳۸۶ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]

۴۸. قلمداران، حیدرعلی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافه، بی‌جا: کتابخانه عقیده، ۱۳۹۴ش ـ ۱۴۳۷ق.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۰. کوفی، فرات بن ابراهیم تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزاره الارشاد، ۱۴۱۰ ق.
۵۱. گنجی، حسین، شرح زیارت جامعه کبیره، قم: طوبای محبت، ۱۳۸۸ش.
۵۲. مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، تهران: کویر، ۱۳۸۶ش.
۵۳. مجلسی، محمدباقر، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۷ ق.
۵۴. همو، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
۵۶. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
۵۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸ش.
۵۸. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۹۲ش.
۵۹. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره‌ی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶۰. نعمانی، ابن ابی زینب، الغیبه، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۶۱. نقوی، سیدمحمدتقی، شرح زیارت جامعه کبیره، تهران: انتشارات قائن، ۱۳۹۰ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.18.38.7.2]